روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی
توسعه ایرانی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیر مسئول: مسعود حیدری
زیر نظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
نشانی سایت: toseeirani.ir
اینستاگرام: @tosee.irani
ایمیل: toseeirani@gmail.com

عباس نعلبندیان و مصاحبه نادیده‌اش

نه در بند «ایسم» و نه در قید «ایست»

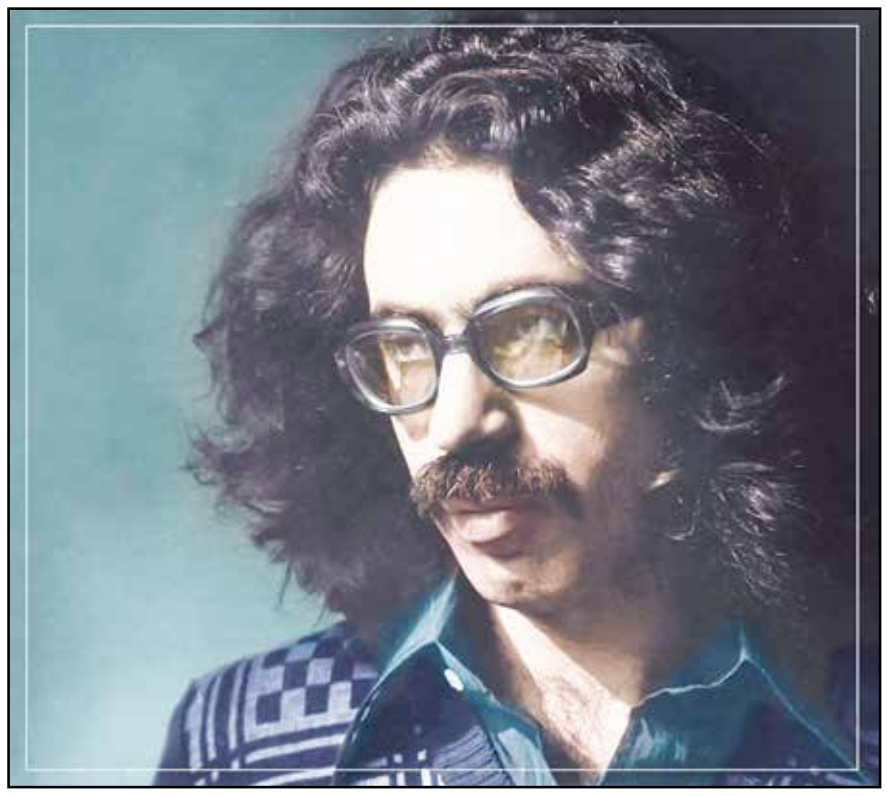

احسان زیورعالم

با گردش در مطبوعات و نشریات کمتر می‌توان گفتگویی با عباس نعلبندیان یافت. نمایشنامه‌نویسی که به ظاهر کم‌حرف و کمی گوشه‌گیر می‌آید، آن روزها بیش از حرف زدن، می‌نوشت. شهرتش با «پژوهشی ژرف و سترگ و نو در سنگواره‌های دوره بیست و پنجم زمین‌شناسی یا چهارهم، بیستم فرقی نمی‌کند» در جامعه هنری فراگیر شد و از پس اجرای همین نمایش توسط آربی اوانسیان، کارگاه نمایش متولد می‌شود. گفتگوی شماره پنجم مجله تماشا در سال ۱۳۵۰ با عباس نعلبندیان یکی از معدود اسنادبه‌جامانده از آن چیزی است که از زبان این نویسنده بیرون آمده است.

فرصتی که در سال‌های پس از زندگیش ممکن نمی‌شود تا نعلبندیان در لفافه اطرافیانش تعریف شود.

گفتگوی نعلبندیان با قصه‌نویسی در ایران آغاز می‌شود. مصاحبه‌شونده که اسم و رسمش مشخص نیست در همان گام نخست تلاش دارد نعلبندیان را فراتر از یک نمایشنامه‌نویس جلوه دهد و او را در قلمروی داستان‌نویسی‌هایش معرفی کند، قلمرویی که برای مخاطبانش احتمالاً ناشناخته بوده است. نعلبندیان در همان آغاز تبرزین نقد به دست می‌گیرد و داستان‌نویسی ایرانی را درگیر ضعف‌ها و کاستی‌ها عنوان می‌کند. می‌گوید «فقط می‌بینم چیز خیلی درخشانی نیست، یعنی در حد متوسطی دارد جلو می‌رود و به همین دلیل است که یک‌باره اگر یک نویسنده قصه قشنگ می‌نویسد، فوری گل می‌کند که البته نمونه‌های زیادی در این مورد داریم.»

به نظر می‌رسد مصاحبه‌کننده از پاسخ نعلبندیان یکه می‌خورد. بحث را به‌سرعت عوض می‌کند و از او می‌پرسد در تئاتر در پی چیست. پاسخ نعلبندیان بی‌شباهت به دقایقی پیش نیست. «اصولاً من تئاتر را به آن صورت نمی‌شناسم و آمدن من به تئاتر تقریباً تصادفی بود.» او سپس به ماجرای جایزه نمایشنامه‌نویسی جشن هنر شیراز و توجه آربی اوانسیان به متن اشاره می‌کند؛ اما همین اعتراف به تصادفی بودنش در تئاتر، حربه‌ای است برای انتقاد از او. در سال‌هایی که نعلبندیان و آثارش ملاک تئاتر تجربی بودند، برخی قدمای تئاتری مستقر در اداره تئاتر او را همان پسرک روزنامه‌فروش خطاب می‌کردند. گویی درخشش نعلبندیان چندان به مذاق پیشکسوتان شیرین نمی‌آید. شاید اگر چیزی است که تئاتر نوشین و چپ‌گرا و سنتی و حتی لاله‌زاری بدان ارادت دارد و به‌نوعی ملکه ذهن مخاطب آن روز است. در نهایت مصاحبه‌کننده تلاش می‌کند از زیر زبان نعلبندیان بیرون بکشد او پیرو مکتب خاصی است. نعلبندیان شاید زیرکانه پاسخ می‌دهد «تحت تأثیر جریانات اجتماعی مملکتم. تحت تأثیر چیزهایی که ما به چشم می‌بینیم. چیزهایی کاملاً مرئی که وجود دارند.»

از دید نعلبندیان شخصیت‌های «پژوهشی...» همه محصول اجتماع آن زمان ایران بوده‌اند. «آدم‌هایی که دادشان را می‌زنند و بعد ول می‌کنند و می‌روند؛ چون فقط دادن زدن است و بس.» از دید نعلبندیان امیدی در کار نیست و از همین رو تا پایان نمایش این داد زدن‌ها تداوم دارد. اعتراف می‌کند «این چیزی است که من خودم می‌بینم. اگر اجتماع چیزی به من می‌دهد همین‌هاست که نوشته‌های من منعکس شده. من نمی‌توانم دروغکی بگویم باید برای مردم بنویسم و یا شعار بدهم که ای وای مردم من... مردم!... مردم!»

به نظر می‌رسد او به انگاره‌های گروه‌های فعال آن روزگار انتقاد می‌کند. جایی که شخصیت‌هایی چون اسکویی و سلطان‌پور از واژه مردم برای ترویج آثار خودبهره می‌برند یا حتی گروه هنر ملی و تمرکزش بر آنچه نوشتار ایرانی مبتنی بر سنت بود و یا حتی بهرام بیضایی و آثار آن روزگارش. جایی در پایان گفتگو نعلبندیان به رئالیسم اجتماعی مرسوم در آثار این هنرمندان حمله می‌کند و تأکید می‌کند به آنها باوری ندارد. علتش را چنین ابراز می‌کند «هیچ‌وقت برای خوش آمد طبقه‌ای که اتفاقاً کم نیستند و زیاد هستند و اتفاقاً قلابی هم هستند، اصالت و ذهنیتم را به بند نمی‌کشم.»

به باور نعلبندیان هنرمندان حوزه رئالیسم شکست‌خوردگان جریانات اجتماعی‌اند. مصاحبه‌کننده در همین راستا نعلبندیان را قضاوت می‌کند که او به واسطه جایگاه طبقاتیش چنین ادبیاتی را پیش گرفته است. نعلبندیان چنین پاسخ می‌دهد «اشتباه تو همین است. همیشه به من می‌گویند که تو چرا چیزی را که احساس می‌کنی نمی‌نویسی. چرا چزهایی را که در طبقه تو هست منعکس نمی‌کنی؟» با کمی وقفه او به ریشه روزنامه‌فروشی خودش هم می‌رسد و بدان اشاره می‌کند. «چرا اگر من مثلاً روزنامه‌فروش هستم، همه باید از من انتظار داشته باشند که اگر چیزی می‌نویسم درباره طبقه ۲ یا ۴ این مملکت باشد. چرا همه فکر می‌کنند که قهرمان‌های من باید مرده‌شور، یک زن فاحشه یا یک جوان ژنده‌پوش باشد یا همان کثافت‌ها.»

به باور نعلبندیان هنرمندان حوزه رئالیسم شکست‌خوردگان جریانات اجتماعی‌اند. مصاحبه‌کننده در همین راستا نعلبندیان را قضاوت می‌کند که او به واسطه جایگاه طبقاتیش چنین ادبیاتی را پیش گرفته است

این صحبت نعلبندیان اما زمانی جالب می‌شود که در همان ایام اسماعیل خلج و گروه کوچه‌اش در کارگاه نمایش همین فواحش و ژنده‌پوشان را باز نمایی می‌کردند. به نظر می‌رسد میل نعلبندیان چندان در انتخاب آثار در کارگاه نمایش دخیل نمی‌شود. باور او نسبت به طبقه اجتماعیش چنین است که «نمی‌توانم قلم را کنار بگذارم و بگویم نه! یا اینکه بگویم چون من از طبقه‌ای زحمت‌کش هستم پس قهرمان من باید یک قالپاق‌دزد یا یک ماشین پاک‌کن باشد.»

نعلبندیان باوری به انتزاعی بودن آثارش نداشت. آن را محصول زیستش در اجتماع می‌دانست. باورش این بود میان ذهنیتش و عینیت جامعه آن فاصله مورد انتقاد وجود ندارد؛ چرا که آنچه ارائه می‌کند در نهایت عینی است.

کتاب

«الیف شافاک» در گفت‌وگو با گاردین:

داستان‌نویسی، راهی برای مقاومت در برابر بی‌عدالتی است

هنر داستان‌نویسی، یکی از آخرین سنگرها برای مقاومت در برابر بی‌عدالتی است.

به گزارش ایلنا، «الیک شافاک» نویسنده دو رگه ترکی-انگلیسی که در ایران با کتاب «ملت عشق» شناخته می‌شود، در گفتگویی با گاردین، با بیان این مطلب؛ نویسندگان را حلال مشکلات امروز جهان و پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها معرفی کرده است. نویسنده کتاب ملت عشق اعتقاد دارد، نویسندگان با داستان‌های خود می‌توانند، فضای جهان را انسانی کنند.

ترجمه این مصاحبه را در ادامه می‌خوانید:

ویروس کرونا تنها مشکل بشر در سال ۲۰۲۰ نبود، بسیاری از کشورهای جهان شاهد اتفاقات ناگواری بودند و برخی از این رویدادها همچنان ادامه دارد. صرف نظر از مسائلی مثل کرونا، فقر، بیکاری، ناعدالتی طبقاتی و جرم و جنایت، مشکلات کشورهای جهان مطرح می‌شود.

اقلیت‌های فکری لهستان، دشمن شماره یک مردم معرفی می‌شوند. قدرت گروه‌های نئونازی مجارستانی بیشتر می‌شود. پلیس آمریکا، سیاه‌پوستان را می‌کشد مهاجران و اقلیت‌های مذهبی که در آلمان سکونت دارند، هر روز با مشکلات جدیدی روبرو می‌شوند. در بریتانیا، برزیل، هندوستان تعصب مذهبی و اسلام‌هراسی بیداد می‌کند. تمام این موارد حاکی از آن است که انسان‌ها به هم‌نوعان خود ظلم می‌کنند.

تاریخ نشان داده است که تمدن‌های بشری هیچ‌وقت با خشونت و قتل و جنگ‌های داخلی شروع نشده است بلکه همیشه این کلمات و کلیشه‌ها بودند که تمدن‌های بشری را ایجاد کرده‌اند. حقوق بشر و دفاع از آن با یک کلمه آغاز می‌شود. ایت کلمات همان داستان‌ها هستند و ما نیاز به گفتن داستان‌های متفاوت برای جامعه بشری داریم.

نویسندگان با نژاد و ملتی که هستند باید تلاش بیشتری کنند تا درباره مردم با آداب و رسوم متفاوت بنویسند. این امر باعث می‌شود تا انسان‌ها از نظر احساسی و عاطفی، رابطه بیشتری داشته باشند.

در این شرایط بحرانی انسانیت و بی‌عدالتی، نویسندگان باید روحیه انسان بودن را در بین مردم جهان تقویت کنند. در این شرایط به طور موقت هم که شده بیایید تعصب‌های قومی قبیله‌ای خود را فراموش کنیم و برای مردمان دیگر مناطق جهان بنویسیم تا رنج آن‌ها را کاهش دهیم. شرقی یا غربی هیچ تفاوتی ندارد، همه ما انسان هستیم و در این کره خاکی زندگی می‌کنیم. ادبیات قدرت جهان‌شمول دارد و ما نویسندگان باید از قدرت شفابخش آن برای نجات مردم استفاده کنیم.

حق با دوریس لسینگ بود، او باور داشت: نویسندگان باید با استفاده از زمان حوادث را بررسی و تحلیل کنند. در دوران پساکرونا جهان علاوه بر بیماری با مشکلات بسیاری دست به گریبان است ولی من می‌گویم در اینجا ادبیات قبل از بروز حادثه باید نقش تحلیلی خود را ایفا کند و نویسندگان به کمک بشریت بیایند.

هنر و ادبیات، نخستین قربانیان فروپاشی اقتصادی بسیاری از کشورهای جهان هستند. کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی تعطیل می‌شوند و نیاز به داستان در این زمانه دیگر از یک کالای تجملاتی فراتر رفته و به نیازی حیاتی تبدیل شده است.

پرده نقره‌ای

کارگردان فیلم «همه‌چیز در معرض فروش»:

پول و زدوبند، جای تجربه و تحصیلات آکادمیک را در بازیگری گرفته

حمیدرضا سنگیان می‌گوید: متاسفانه فضای خوبی بر سینما و تئاتر حاکم نیست. خیلی از ما، به دنبال یک آرزو و خواسته ارزشمند وارد این حرفه شدیم اما در عمل دیدیم فضا آنطور که فکر می‌کردیم نیست و ناامید شدیم. افرادی سر کار می‌روند که نه تحصیلات آکادمیک دارند و نه تجربه کار؛ یک شبه بازدوبندو پول و... می‌آیند و کار می‌کنند.

او که به تازگی فیلمبرداری فیلم کوتاه «همه‌چیز در معرض فروش» را به پایان رسانده است، در گفتگو با خبرنگار ایلنا، به وضعیت دشواری که هنرمندان مستقل درگیر آن هستند اشاره کرد و گفت: متاسفانه به قدری شرایط بد و ناسالمی ایجاد شده که با هر جواب «نه» به یک پروژه، دو سال به عقب پرتاب و مجبور می‌شوی از صفر شروع کنی یا دنبال کار دیگری بروی.

سنگیان ادامه داد: قبل از کرونا هم این شرایط حاکم بود اما بعد از کرونا بدتر هم شد و فقط افرادی که در روابط درون آن چرخه بودند، در پروژه‌های سینمایی حضور داشتند و کار می‌کردند.

این بازیگر تئاتر و سینما با اشاره به «همه‌چیز برای فروش» که روایتی متفاوت از معضلات اجتماعی همچون اعتیاد و فحشاست که در ۴ اپیزود به صورت زنجیره‌وار داستان خود را بیان می‌کند، گفت: مسائل و معضلات اجتماعی همیشه برای من مهم بوده و هست؛ چیزهایی که در زندگی شخصی تجربه کرده یا به چشم دیده‌ام. برای همین برایم مهم بود که در این فیلم کوتاه کاملا به صورت مفهومی آنچه را که دیده و لمس کرده و با آن ارتباط برقرار کرده‌ام را نشان دهم.

سنگیان همچنین درباره نمایش فیلم‌های کوتاه و حضور در جشنواره‌ها گفت: از ابتدا که قصد کردم این فیلم کوتاه را بسازم اصلا به نمایش آن در جشنواره‌های داخلی فکر نکردم. چون می‌دانستم که شرایط بسیار سختی دارد؛ تعدادی از اعضای شورا و هیئت داوران، نظرات و دیدگاه‌هایی دارند که اصلا علمی نیست و شاید بعضی از آنها سواد و درک درستی هم نداشته باشند و اصلا راهی را باز نمی‌کنند برای جوان‌هایی که می‌خواهند به طور مستقل فیلم کوتاه بسازند و کارشان دیده شود. برای همین از ابتدا تصمیم داشتم فیلم را برای جشنواره‌های خارجی بفرستم.

این بازیگر تئاتر و سینما، ادامه داد: متاسفانه به طور کلی شرایط خوبی برای نمایش و دیده شدن فیلم‌های کوتاه در ایران وجود ندارد؛ تعدادی از دوستان فیلم‌ساز، فیلم‌های کوتاه خوبی ساخته‌اند اما اتفاقی در زمینه نمایش‌شان نیفتاده است.

سنگیان تاکید کرد: البته، بسیاری از فیلم‌های کوتاه متاسفانه فیلمنامه‌های خوبی هم ندارند؛ می‌خواهند مفاهیم مورد نظرشان را نشان دهند اما خروجی خوبی ندارد و صرفا دنبال کسب تجربه هستند. اما برای من، این فیلم یک دغدغه بود نه تجربه.

کتایون امیرابراهیمی، السا فیروزآذر، گیتی معینی، شاپور کلهر، بابک قادری، بهار راد، آتیه جاوید و محمدحسین حسینی بازیگرانی هستند که در این فیلم کوتاه که به تازگی به مرحله تدوین رسیده است، به ایفای نقش پرداخته‌اند.

«هفت‌سنگ» با آثاری از زینال‌پور برپا شد

نمایشگاه آثار حسین زینال‌پور با عنوان «هفت‌سنگ» در گالری شیرین برپاست.

زینال‌پور در گفت و گو با هنرآنلاین درباره آثار این مجموعه گفت: بازی برایم اهمیت زیادی دارد و در این مجموعه بازی‌هایی را مدنظر داشتم که بر اساس شانس هستند و قصد داشتم موضوع شانس را به چالش بکشم. روی بازی‌های مثل منچ و مار پله که شانس در آن‌ها خیلی دخیل است کار کردم و آن‌ها را با فضای روز دنیا و تاریخ ترکیب کردم.

زینال‌پور ادامه داد: در استیتمنت این نمایشگاه نوشته‌ام «شانس (تاس) تکه سنگی است که یا بازی می‌دهد، یا بازی می‌دهی...».

احساس می‌کنم اتفاقاتی که در بازی‌های شانسی هست با دنیای امروز ما گره خورده است. به ویژه در یک سال گذشته با شیوع کرونا کارهایم از این مسئله نیز تاثیر گرفت و به این فکر می‌کردم که در شرایط فعلی چه کسانی خوش شانس هستند، آن‌هایی که زنده مانده‌اند یا آن‌ها که مرده‌اند.

او درباره فضای آثار خود گفت: در همه تابلوها فضای داخلی کاخ‌های ایران دیده می‌شود و تنها در یک تابلو داخل کاخ ورسای را نشان داده‌ام و فقط در این تابلو فیگور انسان دیده می‌شود.

در این اثر یک دختر در حال بازی تخته نرد با یک فضانورد است و اگرچه فضانورد هم یک انسان است، اما حضور او در این فضا عجیب به نظر می‌رسد. انگار دختر با یک موجود نامعقول در حال بازی است. این اثر برای من کاملاً اجتماعی و رئال است اما هر مخاطبی می‌تواند برداشت خود را از آن داشته باشد.